

ایمان به آخرت و اثر آن بر زندگی مسلمان

مؤلف: عبدالله بن عبدالحمید الاثری

مترجم: پدram اندایش

ایمان به آفرت و اثر آن بر

زندگی مسلمان

شکر و ستایش برای الله
پروردگار جهانیان است و صلوات و
سلام بر رسول الله، آخرین پیامبر و بر
آل و اصحابش و تمامی کسانی که با
او تا روز قیامت دوستی می‌کند.

أما بعد:

بدانید - ای برادران و خواهران
مسلمان - این مطلب یادآوری و
خیرخواهی است که باعث هدایت
می‌شود - و الله تعالی توفیق آنچه
دوست دارد و از آن راضی می‌شود را
به ما بدهد - تا باشد که ما و شما به
آخرت متذکر شویم، روز سختی که
الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ لَا
يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ [الشعراء: 88، 89]

(روزی که مال و فرزند سود نمی دهد
* مگر کسی [سود می بیند] که با قلبی
سالم به نزد الله [تعالی] بیاید).

این کتابچه، تذکری بزرگ و
گرامی می باشد، در زمانی که انسانها
برای دیگران خیر خواهی نمی کنند، و
مورد خیر خواهی واقع نمی شوند و از
دیگران پند نمی پذیرند و از کسانی که

می‌میرند عبرت نمی‌گیرند و آنها در غفلت و خواب هستند؛ دوست داشتن دنیا و نعمت‌های آن و زیور آلات آن، آنها را به خود مشغول نموده است و آنان را از طلب آخرت و کوشش برای آن باز داشته است. این دنیا سرای فانی است و آخرت سرای باقی می‌باشد و عاقل کسی است که عملی را انجام دهد که برای بعد از مرگ او دارای منفعت باشد و عملی را انجام دهد که برای

سرزمین جاودانی می‌باشد که در آن
مرگ وجود ندارد و آن سرزمین یا
بهشت است و یا آتش جهنم، الله تعالی
می‌فرماید: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ
الْغُرُورِ﴾ [آل عمران: 185] (و زندگانی
دنیوی چیزی نیست، مگر کالای
فریب).

همچنین می‌فرماید: ﴿وَإِنْ كُلُّ

ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ
عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿ [الزخرف: 35]
(و تمامی آن کالای زندگی دنیوی
است و آخرت نزد پروردگارت برای
پرهیزگاران می باشد).

آفرت

الله تبارک و تعالی در کتاب
عزیزش درباره‌ی آخرت می فرماید:
﴿فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

وَوَفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَآ
يُظْلَمُونَ ﴿[النَّبَأُ: 39]﴾ (پس چگونه
خواهد بود؟ وقتی آنان را در روزی
جمع می‌کنیم که شکی در آن وجود
ندارد و به هر کس آنچه را که کسب
کرده است، داده می‌شود و آنها مورد
ظلم قرار نمی‌گیرند).

آخرت، مرحله‌ای خطرناک در

زندگی انسان است و آن وقتی است
که درست بعد از مرگ به وجود می-
آید و تا بهشت یا آتش جهنم ادامه
می‌یابد، آن دلالت دارد بر آخرین روز
از روزهای دنیا و اولین روز [از
روزهایی است] که آخری برای آن
وجود ندارد و زندگی دومی است که
نهایتی ندارد و به همین دلیل نامیده
شده است: «الیوم الآخر»: زیرا آن
روزی است که بعدی ندارد و اهل

بهشت در بهشت واقع می‌شوند و اهل
آتش جهنم در آتش جهنم قرار می-
گیرند. آخرت یعنی: روز قیامت که
مردم برای حساب و کتاب در آن
برانگیخته می‌شوند. با وجود اهمیت
سخن گفتن از ترسهای قیامت، آن نزد
بسیاری از مردم دیر پنداشته می‌شود،
کسانی که زندگی آنها را به بازی و

لهو و غفلت مشغول کرده است؛ در نتیجه فراموش کرده‌اند که این زندگی مرحله‌ی دیگری نیز دارد و آن بعد از مرگ شروع می‌شود. بعد از مرگ زندگی در قبر خواهد و بعد از قبر ترسهای مشکل‌زا و حساب و کتابِ سخت خواهد رسید و کسی از آن نجات نمی‌یابد، مگر مؤمنان راستگو.

در اینجا - ای برادر در راه الله -
- به صورت خلاصه مراحل آخرت

بیان شده است؛ تا این گونه شود که
از غفلت‌مان دست بکشیم و برای این
روز خطرناک، با اعمال صالح آماده
شویم. در دنیای خودمان با اعمال
صالح توشه‌ای را برای آن زمان
سخت، برداریم. همچنین اثر و نتیجه‌ی
ایمان به آخرت نیز بیان شده است و
باید در درونمان بنگریم که آیا اثری

از آن در ما به وجود آمده است یا
خیر؟ اگر یافتیم الله تعالی را شکر کنیم
و اگر نیافتیم سعی کنیم تا آن را ایجاد
کنیم، والله المستعان.

آثار ایمان به آفرت

ایمان به آخرت آثاری در
زندگی مسلمان دارد و این اثر گذاری
امری پنهان است مگر بر عارفان؛ از
آنها:

1- زندگی گرامی: کسی از ما

که به آخرت یقین پیدا کند، شکی وجود ندارد که باعث می‌شود تا عمل خود را بر اساس اطاعت از الله تعالی قرار دهد و از گناهان و زشتی‌ها متنفر شود؛ این باعث می‌شود تا دارای زندگی گرامی و زندگی همراه با خوشبختی شود.

2- تأمل نمودن در اعمال و

سخنان: شکی وجود ندارد که کسی که به آخرت ایمان می‌آورد می‌داند که برای هر چیزی مورد حساب و کتاب قرار می‌گیرد؛ در نتیجه در اعمال و سخنانش تأمل می‌نماید و به کاری عمل نمی‌کند و سخنی را نمی‌گوید، مگر آنچه از آنها که خیر است.

3- زیاد شدن عمل صالح: کسی

که می‌داند در آن روز سخت چه

اتفاقی می‌افتد و چیزی او را از آن نجات نمی‌دهد مگر عمل صالح؛ به انواع عمل صالح مبادرت می‌ورزد که شامل: نماز، صدقه، روزه، امر به نیکی و نهی از بدی و رفتار نیکو با انسانهاست.

4- ترجیح دادن آخرت بر دنیا:

شکی وجود ندارد، کسی که می‌داند

الله تعالی برای مؤمنان چه نعمتهای
دائمی را مهیا ساخته است و برای
کافران چه عذاب همیشگی را فراهم
فرموده است، دنیا برایش حقیر می-
شود و می‌فهمد که آن سرزمینی
موقتی می‌باشد و در نتیجه نسبت به
آن بی‌اعتنا شده و ناراحتی و غم
توسط این سرزمین فانی بر وی
مستولی نمی‌شود و برای رستگاری در
آخرت کوشش می‌نماید. قسم به الله

تعالی! آن زندگی اخروی نیاز به عمل
نمودن و سختی کشیدن و کوشش
کردن دارد، والله المستعان.

مرگ

مرگ فاصله‌ی بین زندگی دنیوی
و زندگی اخروی می‌باشد و آن امری
حتمی بوده و گریزی از آن وجود

ندارد و الله تعالى آن را برای هر
موجود زنده‌ای در این دنیا واجب
فرموده است، زندگی که زوال می‌یابد
و فنا می‌شود و محالی برای آن وجود
ندارد؛ زیرا مرگ بیان قدرت الله تعالى
است و دلیل بر برانگیخته شدن و
دلیلی بر قرار گرفتن در مقابل
پروردگار جهانیان است.

الله تعالى می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ
ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ
وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ ﴿[آل عمران: 185]

(هر شخصی مرگ را می‌چشد و فقط
اجرهای شما در روز قیامت داده می-
شود، پس کسی که از آتش جهنم
حفظ شود و داخل بهشت شود، همانا
پیروز و رستگار شده است و زندگی

دنیوی چیزی نمی‌باشد، مگر کالای
فریب).

مرگ یعنی جدا شدن از اهل و
و فرزندان و مال و جاه. تمامی آنها
مظاهر این زندگی فانی هستند، مُرده
ملائک را هنگام مرگ می‌بیند؛ اگر
مؤمن باشد توسط آنها مژده به خیر
داده می‌شود و اگر کافر یا فاسق باشد،
پس توسط آنها به بدی بشارت داده
می‌شود، پناه بر الله تعالی. وقتی روح

به حلقوم می‌رسد برای او دربهای
توبه بسته می‌شود و عمل نمودن او به
پایان می‌رسد؛ اگر در خیر بوده باشد،
برای او خیر خواهد بود و اگر در شرّ
بوده باشد برای او شرّ خواهد بود، در
نتیجه شایسته مؤمن است تا دائماً
مرگ را یاد کند؛ زیرا آن کمک می‌کند
تا عمل صالح صورت پذیرد، پیامبر ﷺ

فرموده است: «أكثرُوا ذكْرَ هَازِمِ
اللذاتِ» (تمام کننده‌ی لذت‌ها را زیاد
یاد کنید!) منظور مرگ است [صحیح:
الترمذی].

گفته شده است: کسی که بمیرد،
قیامت او برپا شده است.

خطر مرگ بسیار بزرگ است و
حقیقت دشواری است که به سراغ هر
زنده‌ای می‌آید، کسی نمی‌تواند آن را
[از خود] رد کند. قسم به الله آن زمانی

وحشتناک است و هر کس از عاقبت
آن بترسد، نجات می‌یابد. و همچنین
وقتی آن را یاد می‌کند برای موفقیت
در آن اعمالی را انجام می‌دهد. اما
کسی که خود را برای آن آماده نکند
هنگامی که به اجلش و جدا شدنش
نزدیک می‌شود، برای او پشیمانی و
حسرت به وجود می‌آید. تنها دلیلی

که مردم از آن غافل می‌شوند فکر
نکردن به آن و یادآوری نمودن آن
می‌باشد و هر کس از آنها که آن را
یاد می‌کند، با قلب غافل این کار را
انجام می‌دهد؛ به همین دلیل قلبهای
آنها با یاد آن آرام نمی‌گیرد. آن زمانی
حقیقی است که عده‌ی زیادی آرزو
می‌کنند تا طعم آن را نچشند و تلخی
آن را ننوشند!! ولی چگونه؟ سوال
دیگر این است که در آرزو برای آنها

چه خواهد بود؟! الله تعالى می فرماید:

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا

كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾ [ق: 19] (و سختی

مرگ، حق را خواهد آورد [و] آن

چیزی است که از آن فرار می کردی).

همچنین می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ

الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ

ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

فَيَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾ [الجمعة:]

[8] (بگو: آن مرگی که از آن فرار می‌کنید، حتماً به ملاقات شما می‌آید، سپس به سوی عالم غیب و آشکار بازگشت داده می‌شوید و شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد نمود).



قبر

قبر: همان مکان تنگ و تاریکی
است که در زیر زمین می‌باشد و بر
پهلوه‌ای جسد میت فشار می‌آورد و
آن خانه‌ی تنهایی و خانه‌ی وحشت
می‌باشد، پیامبر ﷺ درباره‌ی آن فرموده
است: «ما رأیت منظراً قط إلا والقبر
أفزع منه» (منظره‌ای ندیده‌ام مگر آن

که قبر از آن ترسناکتر است) [صحیح:
الترمذی]. آن جایگاه پیامبران و
رسولان، بزرگان و حقیران، افراد با
حکمت و احمقان است و قبر باغی از
باغهای بهشت یا حفره‌ای از حفره‌های
آتش جهنم می‌باشد. گاهی سرای
گرامی داشت و خوشبختی و گاهی
سرای اهانت و بدبختی است و قبر
اولین منزلگاه آخرت می‌باشد،
پیامبر ﷺ فرموده است: «إن القبر أول

منازل الآخرة؛ فإن نجا منه، فما بعده
أيسر منه! وإن لم ينج منه فما بعده
أشد منه!!» (قبر اولین منزلگاه آخرت
است، کسی که از آن نجات یابد بعد
از آن برایش آسانتر خواهد بود و
کسی که از آن نجات نیابد، بعد از آن
برایش سخت تر خواهد بود) [صحیح:
الترمذی].

انسان به قبرش وارد خواهد
شد، همان حفره‌ای که تنگ می‌باشد؛
سپس بر روی او خاک ریخته می‌-
شود و خانواده و مال و دوستانش از
نزد او بر می‌گردند؛ آنجا حیات
برزخیی است که عملی در آن وجود
ندارد، ولی دارای امتحان و آزمایش
می‌باشد. برای هر کسی یا نعمت‌هایی
در آن وجود دارد و یا دارای عذاب
خواهد بود؛ دو فرشته نزد او می‌-

نشینند و از او درباره‌ی پروردگارش
و دینش و پیامبرش می‌پرسند؛ اگر از
مؤمنان باشد، الله تعالی او را ثابت قدم
می‌دارد و جواب صحیح را به او الهام
می‌کند و اگر کافر باشد جوابی نمی‌-
دهد حتی اگر جواب آن را در دنیا
می‌دانست. مؤمن کسی است که در
قبرش خوشبخت می‌گردد و

جایگاهش را در بهشت می‌بیند و اما
کافر، جایگاهش را در جهنم می‌بیند و
قبر بر او تنگ می‌شود تا جایی که
پهلوهایش را به هم فشار می‌دهد و
قبر او حفره‌ای از حفره‌های آتش
جهنم می‌شود، پناه بر الله!

برانگیخته شدن و مشر یافتن

وقتی در صور در دفعه‌ی اول
دمیده می‌شود؛ کسانی که در آسمانها

و در زمین می‌باشند، هلاک می‌شوند،
مگر کسی که الله تعالی بخواهد، سپس
در آن، بار دیگری دمیده می‌شود و آن
دمیده شدن برانگیخته شدن است؛ در
آن زمان مردم برانگیخته می‌شوند و از
قبرهایشان خارج می‌گردند، الله تعالی
می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا

مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ
قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿[الزمر: 68]﴾ (و در
صور دمیده می شود و هر که در
آسمانها و هر که در زمین است می -
میرد، مگر کسی که الله بخواهد، سپس
در آن بار دیگری دمیده می شود و آن
وقت است که آنها می ایستند و می -
نگرند).

در حالی خارج می شوند که بر
پایشان پاپوشی وجود ندارد و لخت و

بدون لباس می‌باشند و به مانند حالتی
 که از مادر زاییده شده‌اند ختنه نکرده
 هستند و از شدت سختی آن جایگاه،
 کسی متوجه‌ی کسی نمی‌شود. الله
 تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا
 رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ *
 يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا
 أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا

وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ
وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿١﴾ [الحج: 1،
2] (ای انسانها! از پروردگارتان
بترسید و تقوا پیشه کنید، زیرا زلزله‌ی
قیامت امری بزرگ می‌باشد * روزی
که آن را می‌بینید، هر شیر دهنده‌ای از
شیرخوارش غافل می‌گردد و هر
حامله‌ای سقط جنین می‌کند و مردم را
مست می‌بینی در حالی که مست
نیستند، بلکه عذاب الله شدید است).

سپس به سوی زمین محشر برده
 می‌شوند و هر کس مشغول خودش می-
 شود و به غیر از خودش، به کسی نگاه
 نمی‌کند، الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَوْمَ يَفِرُّ
 الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَيِّهِ
 * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ
 يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ [عبس: 34-37]
 (روزی که شخص از برادرش فرار می-

کند * و [همچنین] مادرش و پدرش *
و همسرش و پسرش * برای هر کسی
از آنها در آن روز باری وجود دارد که
برای او کافی است).

از چیزهایی که ترس از این روز
را شدت می‌دهد، نزدیک شدن
خورشید به مخلوقات است و مردم
عرق می‌نمایند و بر آنها مشکلات
شدت می‌یابد و آرزو می‌کنند تا از آن
راحت شوند. زمانی را می‌گذرانند که

تمامی آن طوفان و غم است، ولی
گروهی از مردم این گونه نیستند و در
زیر سایه‌ی [الله] بسیار رحمت کننده،
سایه بر می‌گزینند و از حوض
پیامبر ﷺ می‌نوشند و هیچ طوفان
سختی بر آنها وارد نمی‌شود؛ آنها
همان مؤمنان راستگو هستند، الله
تعالی ما و شما را از آنها قرار دهد.

مساب و کتاب

وقتی موقف طول می کشد و پیامبر ﷺ شفاعت می نماید تا موقف تمام شود، الله تعالی به حساب و کتاب و وزن کردن اعمال بندگان امر می نماید. در نتیجه هر انسانی آنچه که در دنیا از قبل فرستاده است را می بیند؛ تمامی اعمالش را می بیند، چه کوچک و چه بزرگ و از الله تعالی چیزی از آنها پنهان نخواهد ماند، الله

تعالی می فرماید: ﴿وَوَضِعَ الْكِتَابُ
 فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ
 وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا
 يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا
 وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ
 رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الكهف: 49] (و
 پرونده‌ی اعمال وضع می شود و
 مجرمان را هرسان از آن آنچه در آن

است می بینی و می گویند: وای بر ما!
این پرونده‌ی اعمال را چه شده است
که کوچک و بزرگی را رها نکرده
است، مگر آن که آن را به حساب
آورده است و آنچه را که انجام داده-
اند، حاضر می‌بینند و پروردگارت به
کسی ظلم نمی‌کند).

وزن نمودن اعمال در آن روز
سخت بوده و بر اساس عدالت خواهد
بود و در آن روز به کسی ظلم نخواهد

شد؛ زیرا حکم کننده الله است که
عادل و با حکمت است و ظلم نمودن
را بر خودش حرام فرموده است و آن
را بر بندگانش حرام نموده است و از
نیکی های احدی کم نمی کند، الله تعالی
می فرماید: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ
لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ
كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا

وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ﴿٤٧﴾ [الأنبياء: 47] (و ما ترازوی عدالت را در روز قیامت خواهیم نهاد و به کسی ذره‌ای ظلم نمی‌شود و اگر به اندازه‌ی کوچکترین ذره [عملی از نیک یا بد] را انجام داده باشد، آن را خواهیم آورد و حسابرس بودن ما کافی خواهد بود).

ای بنده‌ی الله! حال تو در این جایگاه شدید چه خواهد بود؟ وقتی بین مخلوقات ندا داده می‌شوی: فلانی

پسر فلانی برخیز! آنچه را در دنیا
 انجام می‌دهی ببین! سپس بدان که از
 آن در روز قیامت سوال خواهد شد،
 الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَوَرَبِّكَ
 لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ﴾ [الحجر: 92، 93] (پس
 قسم به پروردگارت از تمامی آنها
 سوال خواهیم نمود * از آنچه انجام

می دادند).

ای بنده‌ی الله یاد کن که الله
تعالی کسی است که چیزی از او در
زمین و آسمان پنهان نمی‌ماند و او
کسی است که از تو سوال خواهد نمود
و ملائک گرامی شاهد اعمال تو
هستند [و آنها را می‌نویسند]. چه
کسی انکار می‌کند که الله تعالی
اعضای بدن او را به صحبت کردن
و ادار می‌کند؛ آن وقت که اعمالمان را

می‌بینیم و بر اساس آن حساب و کتاب می‌شویم و کوتاهی خود را در نماز، زکات و روزه می‌بینیم و گناهانمان و آنچه از نافرمانی‌ها را که مرتکب شده‌ایم می‌بینیم و از مالهایمان سوال می‌شود که از کجا آنها را کسب کرده‌ایم و در کجا خرج کرده‌ایم؟ و این که عمر ما چگونه گذشته است؟ و

این که جوانی ما در چه چیز صرف
شده است؟ از علم ما و مدارک
تحصیلی ما سوال می‌شود که آیا با
آنها عمل خیر انجام داده‌ایم و یا از
آنها در شرّ استفاده نموده‌ایم؟ تمامی
اینها از آن سوال خواهد شد، پس
برای هر سوالی جوابی آماده کنیم و
برای هر جواب، امری درست!

در آن روز صورت‌های مؤمنان
سفید و پاک مانند ماه خواهد بود و

صورت‌های مجرمان در هم فرو رفته
و سیاه خواهد بود و به مانند آن است
که قطعه‌ای از شب تاریک می‌باشد،
الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ
مُسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ * وَوُجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ *
أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ﴾ [عبس:
38-42] (در آن روز چهره‌هایی شاد

و درخشان هستند * خندان و شادان
هستند * و در آن روز بر چهره‌هایی
غبار نشسته است * تیرگی آنها را فرا
گرفته است * آنان همان کافرانِ
بدکار هستند).

پِل صراط

پِل صراط همان پلی است که بر
روی جهنم زده شده است و اهل
بهشت از روی آن عبور می‌کنند و آن
لغزنده و لرزان است، بر آن قلابها و

چنگالهای آهنین وجود دارد و مردم
به اندازه‌ی اعمالشان از آن عبور می-
کنند؛ بعضی از آنها به مانند یک چشم
بهم زدن از آن عبور می‌کنند و بعضی
به مانند برق و بعضی به مانند بادی که
وزیده می‌شود و بعضی مانند سوار
بودن بر اسبی و بعضی به مانند
سوارکاری که بر شتر است و بعضی به

مانند دونده‌ای که می‌دود و بعضی به
مانند راه رفتن و بعضی چهار دست و
پا و این در حالی است که بعضی
دزدیده می‌شوند و در آتش جهنم
می‌افتند؛ تمامی آنها بر اساس
اعمالشان است؛ تا گناهان و
نافرمانی‌های آنها پاک شود. دعای
پیامبران در آن روز این است: «اللهم
سلم» (یا الله سالم بدار!)، ای بنده‌ی
الله به یادآور که همگی از روی این

پل صراط رد خواهند شد و این در
حالی است که آنها نمی‌دانند که از آن
نجات می‌یابند و یا در آتش جهنم
می‌افتند؟ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ
مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا
مَقْضِيًّا * ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ
الظَّالِمِينَ فِيهَا جثيًا﴾ [مریم: 71، 72]
(و کسی از شما نیست مگر آن که در

آن وارد می‌شود و آن امری بر
پروردگارت حتمی و انجام شدنی
است * سپس کسانی که تقوا پیشه
کرده‌اند را نجات می‌دهیم و ستمگران
را در آن زانو زده باقی می‌گذاریم).

بعد از گذشتن از پل صراط
آماده‌ی وارد شدن به بهشت می‌شوند؛
وقتی از پل صراط عبور می‌کنند بر
پلی بین بهشت و جهنم می‌ایستند؛
عده‌ای برای عده‌ای [ماجرای خود را]

بیان می‌دارند و وقتی پاک و آراسته
شدند، به آنها اجازه داده می‌شود تا
وارد بهشت شوند.

بهشت

بعد از پایان یافتن حساب و

کتاب، پل صراط بر روی جهنم زده
می‌شود و مردم از آن عبور می‌کنند؛
مؤمنان از روی آن با سرعت و امنیت
و با اطمینان خاطر عبور می‌کنند و
بعد از آن متوجهی بهشت می‌شوند،
ملائکی را می‌یابند - در حالی که
درب‌های بهشت برای آنها باز شده
است - که به آنها می‌گویند: ﴿ادْخُلُوها
بِسَلَامٍ آمِنِينَ﴾ [الحجر: 46] (با
سلامت و امن داخل آن شوید!)، بعد

از آن داخل بهشت می‌شوند، پس چه چیز شما را آگاه کرده است که بهشت چیست؟ آن سرزمینی است دارای باغهایی است که از زیر آنها نهرها جاری می‌باشد، دارای قصرهایی است که یک خشت آنها از طلا است و خشت دیگر از نقره و ملاط آن از مشک تیزبوی است و سنگریزه‌های

آن مروارید و یاقوت می‌باشد و خاک
آن از زعفران است و خیمه‌های آن از
مروارید تو خالی می‌باشد؛ آنها
نعمتهایی حقیقی، ابدی و دائمی
هستند؛ در آن چیزهایی که لذت
بخش و نیکو هستند را می‌بینند.
تصور ما از بهشت چیست؟ و آن را
حقیقتاً درک نمی‌کنیم؛ بلکه آن بزرگتر
از چیزی است که تصور می‌کنیم و این
سخن پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما کافی است:

«قال الله عز وجل: أعددت لعبادی
 الصالحین ما لا عین رأت، ولا أذن
 سمعت، ولا خطر علی قلب بشر،
 ومصدق ذلك فی کتاب الله: ﴿فَلَا
 تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ
 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة:
 17]» (الله عَزَّ وَجَلَّ می فرماید: برای بندگان
 صالح خود چیزهایی را مهیا ساخته‌ام

که چشم ندیده است و گوش نشنیده
است و بر قلب بشری خطور نکرده
است و مصداق آن در کتاب الله
[تعالی] این می باشد: (کسی نمی داند
که چه از نور چشم برای او [در
بهشت] پنهان نموده ایم، پاداشی است
به واسطه‌ی آنچه انجام می دادند)).

انسان در دنیا نعمتهایی را می -
یابد، ولی وقتی مرگ را یاد می کند،
این نعمت برایش تیره و تار می گردد؛

ولی تیره و تاری در بهشت وجود
ندارد؛ زیرا آن جاودانگی بدون مرگ
است. انسان در دنیا از نعمت خسته
می‌شود و دوست دارد که آن تغییر
یابد و عوض شود؛ ولی خستگی در
بهشت راهی ندارد؛ بلکه الله تعالی
درباره‌ی اهل بهشت می‌فرماید: ﴿إِنَّ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ

لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا * خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿الكهف: 107، 108﴾ (کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، برای پذیرایی از آنها باغهای فردوس خواهد بود * در آن جاودان بوده و خواستار تغییری نیستند).

ای برادر مسلمان به سوی لیلین بهشت بشتاب که الله تعالی درباره‌ی آن فرموده است: ﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ

مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ
وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿﴾ [الحديد:

21] (بشتایید به سوی آمرزشی از

طرف پروردگارتان و بهشتی که

عرض آن به اندازه‌ی عرض آسمان و

زمین است و برای کسانی که به الله و

فرستادگانش ایمان آورده‌اند، مهیا
شده است، این فضل الله است که به
هر کس بخواهد آن را می‌دهد و الله
دارای فضلی بزرگ است).

آتش جهنم

وقتی حشر کافران و حساب و
کتاب آنها به پایان رسید و وقتی می-
خواهند به مانند مؤمنان از روی پل
صراط از بالای جهنم عبور کنند،

ملائک آنان را به حال خود نمی -
گذارند؛ بلکه با چنگالهای آهنی آنان
را می گیرند و خوار شده به جهنم وارد
می کنند؛ چه چیز شما را آگاه کرد که
جهنم چیست؟ آن سرزمین ذلت،
خواری، عذاب و شکست است؛
سرزمین فریاد بر آوردن، ناله کردن،
نوشیدنی بسیار داغ و گریه کردن

است؛ اهل آن در بدبختی دائمی،
سختی پایدار، پشیمانی و گریه
هستند؛ در آن انواع عذاب وجود
دارد: آتش سوزان، مارها و عقربهای
بزرگ، خوراکی آنها از درخت زقوم
است و آن به مانند وارد کردن سرب
داغ در شکم می‌باشد و به مانند آب
جوشان است، نوشیدنی آنها از آب
جوشان می‌باشد که معده را پاره پاره
می‌کند و [برای آنها] نوشیدنیی از

زردآب و خونابه وجود دارد - الله
تعالی ما را از آن حفظ کند - الله تعالی
می فرماید: ﴿وَسَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ
أَمْعَاءَهُمْ﴾ [محمد: 15] (و از آب
جوشان نوشانده می شوند و روده -
هایشان را پاره پاره می گرداند).

می فرماید: ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا
وَلَا شَرَابًا * إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا﴾ [النبأ:

24، 25] (در آنجا [هوای] خنکی

نمی‌چشند و نوشیدنی نمی‌نوشند *
مگر آب جوش و خونابه).

همچنین می‌فرماید: ﴿مَنْ وَرَأَاهُ

جَهَنَّمَ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ *

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ

مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمَنْ

وَرَأَاهُ عَذَابٌ غَلِيظٌ﴾ [إبراهيم: 16،

17] (از پس وی جهنم است و

خونابه به او نوشانده می‌شود * آن را

جرعه جرعه می نوشد و به هیچ وجه
گوارای او نمی باشد و مرگ از هر سو
به سوی او می آید و او نمی میرد و از
پس او عذابی سخت وجود دارد).

همچنین می فرماید: ﴿إِنَّ شَجَرَةَ

الزَّقُّومِ * طَعَامُ الْأَثِيمِ * كَالْمُهْلِ يَغْلِي

فِي الْبُطُونِ * كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ﴾ [الدخان:

43-46] (همانا درخت زقوم *

غذای گناهکار است * به مانند فلز
گداخته در شکم می جوشد * به مانند
جوشیدن آب گرم می باشد).

اهل آتش جهنم دعا می کنند که
بمیرند، ولی دعای آنها مستجاب
نمی شود و از پروردگارشان
درخواست می کنند تا از آن خارج
شوند و به آنها گفته می شود: خفه
شوید و سخن نگویند! الله تعالی می -
فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا

لَمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا * إِذَا رَأَتْهُمْ
مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا
* وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضِيقًا مُقْرِنِينَ
دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا * لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ
ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿

[الفرقان: 11-14] (بلکه قیامت را

تکذیب کردند و برای کسی که قیامت

را تکذیب کند، آتشی مهیا ساخته ایم

* هنگامی که [جهنم] آنان را

از دور می‌بیند، [آنها] از آن، صدای

خشم و خروشی می‌شنوند.

* و هنگامی که آنها با غل و

زنجیر به مکان تنگی از آتش جهنم

افکنده می‌شوند، در آنجا فریاد می-

زنند.

* امروز یک فریاد نکشید بلکه

[پشت سر هم و] بسیار فریاد زنید).

قسم به الله! ای بنده‌ی الله! آن

شرّی پایدار است که جسم ضعیفت
توانایی کوچکترین عذاب آن را ندارد
و همان گونه که در حدیث صحیح
آمده است: کمترین عذاب [در آن]
برای کسی است که پوستینی از آتش
در پاهایش می‌کنند و تا مغز سرش
می‌سوزد.

پس باید برای نجات از آن

کوشش کنیم و نجات از آن با دوری
از گناهان و انجام طاعات صورت
می‌گیرد و الله تعالی ما و تمام
مسلمانان را از آن حفظ کند.

صلی الله و سلم علی نبینا محمد
و علی آله و صحبه أجمعین.

ای برادر! اگر این کتابچه را
خواندی، اشتیاق داشته باش تا آن را
به دیگران نیز برسانی، زیرا پیامبر ﷺ
فرموده است: «الذال علی الخیر

کفاعله» [صحیح الجامع: 3399]

(راهنمایی کننده به خیر به مانند انجام

دهنده‌ی آن [خیر، ثواب می‌برد].).